

عدالت اجتماعی، راهبرد پیامبر صلی الله علیه و آله برای برون رفت از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی

سمانه خلیلی فر^۱

چکیده

عدالت اجتماعی از اهداف بنیادین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای تحول جامعه جاهلی به جامعه انسانی / اسلامی بود. این برنامه همه کرد و کارهای آن حضرت را تحت الشعاع خود قرار داده بود. ایشان برای گذار جامعه از این مسیر پر پیچ و خم، یعنی مقابله با نابرابری‌های موجود، در حوزه اعتقادی، حقوقی، اقتصادی و از همه مهم‌تر اجتماعی و فرهنگی، جدای از ترویج ارزش‌ها به اقدامات عملی ریشه‌ای دست زدند که در همه ادوار تاریخی می‌تواند به مثابه الگویی کارآمد، مطمئن نظر قرار گیرد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال است که رسول خدا برای تحول جامعه و برقراری عدالت اجتماعی در زمان خویش چه راهبردهایی را اتخاذ کردند؟ مقاله با این فرضیه پیش می‌رود که آن جناب با الگومایی خویش در برابری با دیگران و برخورداری همگان از حقی مشابه (قانون رزین در اخلاق)، جامعه را به سوی پذیرش عدالت و برابری جویی سوق دادند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با گفتار مبتنی بر وحی آسمانی که در ستیز با هرگونه ستم و تبعیض است و عمل که برآمده از بنیادهای نظری ایشان بود، به توسعه اندیشه برابری روی کرده و با فرهنگ‌سازی در جامعه، آن را شاه‌کلید اسلام عدالت محور قرار دادند. مبارزه با ناروایی‌ها و نفی هرگونه امتیازخواهی و بی‌عدالتی، جهان زیست‌نویسی را طراحی کردند که هیچگاه در تاریخ تجربه نشده بود.

کلیدواژه‌ها: پیامبر صلی الله علیه و آله، جامعه اسلامی، جامعه جاهلی، عدالت اجتماعی،

حقوق عمومی.

۱. دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران. تهران، ایران. Samane.khalilifar@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۳/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۰۳/۱۲/۱۸

درآمد

عدالت اجتماعی به معنای توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها و برابری همه افراد در برابر قانون و برخورداری از حیات اجتماعی یا حقوق عمومی،^۱ امروزه از سوی فیلسوفان و دانشمندان علوم مختلفی مورد بررسی و کاوش قرار دارد. این ترکیب البته به صورتی که مطرح است، در قرآن یا متون اولیه دینی به کار نرفته است، اما از مجموعه داده‌هایی که در خصوص عدالت، ظلم‌ستیزی، حقوق مردم، توزیع برابر بیت المال، برابری سیاه و سفید و دیگر موارد، وجود دارد، می‌توان با مفهوم‌سازی بیان شده همراه شد.

عدالت واژه پر بسامد در منابع کهن دینی است که با اضافه شدن واژه اجتماعی به آن، مفهوم برابری اجتماعی به ذهن متبادر می‌شود. در قرآن کریم عدالت راهی برای تقرب به پروای الهی و طبعاً از اهداف کانونی بعثت پیامبران دانسته شده^۲ و در آیه ۱۵۲ سوره انعام خواسته شده در پای‌بندی به عدالت‌ورزی چنان باشند که خویشاوندی و قرابت مانع اجرای آن نشود. بر این اساس در سنت نبوی ظلم و بی‌عدالتی نسبت به انسان اعم از مسلمان و غیرمسلمان، مذمت شده و به تبع آن فریادرسی به هر مظلومی از الزامات دین‌داری و ایمان به خداوند به حساب آمده است.

پیامبر ﷺ با تدابیر عملی، جامعه‌ای را پدید آورد که در آن رفتار عادلانه همچون حقیقتی دینی شمرده شد و ارزش‌های پیشین، مانند ثروت‌اندوزی و اشرافیت که اساس نظام جاهلی و مبتنی بر امتیازهای خونی، عشیره‌ای یا خانوادگی بود، را به نقد کشید و کوشید تا در لوای عنصر عدالت‌گستری آنها را در مسیر درست و انسانی قرار دهد. چنان که در حوزه اقتصاد و معیشت با ایجاد بازارهایی برای مسلمانان، زمینه برقراری عدالت را فراهم و بخشی از غنایم جنگی را یکسان میان مسلمانان تقسیم کرد (نک. واقدی، ۱۴۰۹: ۹۹/۱)، به ترویج تعالیم مساوات‌طلبانه پرداخت تا عدالت‌خواهی بخشی از فرهنگ رایج و عمومی جامعه اسلامی شود. این تلاش‌ها نه تنها برای ایجاد یک نظام عادلانه بلکه برای تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی نسبت به مفهوم عدالت نیز مهم بود، اقداماتی که نشان‌دهنده اهمیت عدالت اجتماعی در سیره آن حضرت و تأثیر شگرف آن در شکل‌گیری جامعه اسلامی است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی، به‌ویژه در سال‌های اخیر در خصوص عدالت در سیره نبوی به انجام رسیده است که در شکل‌دهی اثر پیش‌رو، بی‌تأثیر نبوده‌اند، هر چند جنبه‌های دیگری را مورد مذاقه و

۱. البته برای عدالت و برابری اجتماعی تعریف‌های زیادی وجود دارد، اما نوشتار حاضر با معنای بیان شده پیش می‌رود.

۲. «اعْدِلُوا هُوَ اقْرَبُ لِلتَّقْوَى»، مانده ۸.

پردازش قرار داده‌اند؛ امیدى (۱۳۸۸ش) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده که سنت نبوی نشان‌دهنده عدم تمایل به سازماندهی یک سیستم کفیری برای گسترش قدرت سیاسى است. موسوى نژاد و سلیمانى (۱۴۰۱ش) به بررسی ارتباط میان ارزش‌های معنوى و عدالت اقتصادى در زمان پیامبر اسلام ﷺ پرداخته‌اند. آنها نشان دادند که در عصر پیامبر ﷺ بین ارزش‌های معنوى و عدالت اقتصادى هم‌افزایى وجود داشته است. لکزایى (۱۳۷۹ش) در پژوهش خود سعی کرد تا گام‌های اولیه را برای طرح یک نظریه توسعه نوین بردارد تا بتواند پاسخگوی نیازهای عصر کنونی باشد. کلهر (۱۳۸۶ش) در نوشتاری کوتاه به دنبال نشان دادن اهمیت عدالت اجتماعى در آموزه‌های اسلامى و سیره عملی پیامبر ﷺ است و تأکید دارد که تحقق این اصل، پیش‌نیاز ایجاد یک جامعه سالم و متوازن است. باقرزاده (۱۳۸۹ش) نیز در نوشتاری کوتاه نتیجه می‌گیرد که رسول خدا نه تنها به‌عنوان یک رهبر دینی بلکه به‌عنوان یک پیشوای اجتماعى، اهمیت ویژه‌ای برای عدالت قائل بود. ایزدی (۱۳۸۵ش) نشان داد که چگونه آموزه‌های پیامبر ﷺ می‌تواند راهگشای مسائل اجتماعى و اخلاقى امروز باشد. او در مقاله کوتاه خود اهمیت عدالت را در زندگی فردى و اجتماعى مسلمانان برجسته کرد. رویکرد سه مقاله اول با مقاله حاضر متفاوت است. مابقی موارد نیز که در ارتباط با موضوع این پژوهش است به صورت یادداشت‌های کوتاه در نشریات تخصصی چاپ شده و بیشتر به طرح مباحث کلی پرداخته‌اند. بر این اساس و با توجه به خلاء موجود، این مقاله راهبرد رسول خدا برای برون‌رفت جامعه جاهلی از بی‌عدالتی به عدالت اجتماعى در جامعه نبوی را مورد واکاوی قرار داده است.

عدالت در قرآن و سنت نبوی

در آیات قرآنى و روایات نبوی، عدالت به‌عنوان اصلی اجتماعى، از ارکان بنیادین دین اسلام مطرح شده و طبعاً جایگاه ویژه‌ای دارد، از آن‌رو که نه تنها به ایجاد نظم و امنیت در جامعه انسانی کمک می‌کند، بلکه پایه‌گذار روابط سالم و مطلوب میان آدمیان است. این مفهوم با تأکید بر برابری، نفی تبعیض و ترویج فرهنگ انصاف، از ارکان اساسی زندگی مسلمانان است.^۱ در آیه ۶۰ سوره هود آمده است: خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد، یعنی از مردم می‌خواهد تا کرد و کارهای روزمره اجتماعى را بر پایه برابری و نیکوکاری استوار سازند. در آیه ۱۳۵ سوره نساء از کسانی که ایمان آورده‌اند، خواسته شده تا به اجرای عدل قیام کرده و گواهی دهند برای خدا باشند، هر چند اقدام

۱. در قرآن، ۲۹ آیه به‌طور مستقیم به موضوع عدالت پرداخته‌اند و حدود ۲۹۰ آیه نیز به موضوع ظلم (در برابر عدالت) اشاره دارند (برای نمونه نک. بقره/۱۷۸، ۲۸۲، آل عمران/۲۱، یونس/۲۷). عدالت در اسلام صرفاً به معنای رعایت حقوق دیگران نیست، بلکه به‌عنوان تجلی رحمت الهی نیز مطرح می‌شود. خداوند خود را با صفت عدل توصیف کرده و از مؤمنان خواسته است تا این صفت را در زندگی خود پیاده کنند (نک. آل عمران/۱۸، ۱۸۲، انفال/۵۱).

آنان به زبان خود یا پدر و مادر یا خویشانشان باشد. توصیه یا امر به پاسداشت عدالت، حتی در شرایط دشوار که زبانی را متوجه خود یا خودی می‌کند، نشان‌گر اهمیت آن در تفکر و فرهنگ اسلامی است، چنان‌که در آیه ۸ سوره مائده به صراحت آمده، مبادا دشمنی با یک گروه، موجب نادادگری و ستمگری شما بشود، چون ارزش ذاتی آن‌که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است، هر امر دیگری را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد، نگاهی که بر پایه آن، می‌توان انسان مومن را از غیر او بازشناساند.

عدالت در آیات قرآن در جاها و با کارکردهای مختلفی به کار رفته است، اما برآیند آنها، ارائه راهکاری برای تأسیس جامعه‌ای عدالت محور و برابرخواهانه است؛ خداوند مؤمنان را به رعایت عدالت در قضاوت و رفتار منصفانه با دیگران دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد تا به هنگام داوری میان مردم، به عدالت رفتار کنند؛ «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء/۵۸) و در آیه ۱۵ سوره شوری، همچون مأموریت پیامبرانه یا یکی از اهداف اساسی آنان شناسایی می‌شود، همان‌طور که در آیه ۲۵ سوره حدید آمده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما پیامبران را با نشانه‌ها (براهین) فرستادیم و با آنان کتاب (قانون) و میزان (ملاک اندازه‌گیری و اجرا) را نازل کردیم تا کاری کنند که مردم خود به قسط و داد عمل کنند». آیه ۱۳۵ سوره نساء نیز همچون آیات پیشین، مؤمنان را به لزوم رعایت عدالت هشدار می‌دهد و تأکید می‌کند که همواره باید بر عدالت رفتار کنند حتی اگر به ضرر خود، خانواده یا خویشان باشد و آیه ۸ سوره مائده نیز بر اجرای عدالت بدون توجه به اختلاف‌های قومیتی یا مذهبی تأکید دارد. برآیند مجموعه آیات قرآنی، به تصریح مفسر معاصر قرآن، رعایت عدالت اجتماعی است (نک. طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۷۸/۴-۵۷۶، ۳۸۵/۵، ۱۷۵، ۳۷/۱۸-۳۵، ۱۹/۳۰۰-۲۹۹).

منطق و گفتار پیامبر ﷺ، عدالت بود (خطبه ۷۱) و طبعاً برای تحقق عینی آن، دغدغه‌های زیادی داشت که از فرط بدهت، نیازی به یادکرد آنها دیده نمی‌شود. در روایت مشهوری از آن‌جناب آمده است: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ کسی که صدای انسانی را بشنود که فریاد می‌زند ای مسلمانان به دادم برسید و کمکم کنید و پاسخ نگوید، مسلمان نیست» (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۷۵/۶)، روایتی که وظیفه مسلمانان را حمایت از مظلوم و تلاش برای برپایی عدالت یاد می‌کند و در سخنی دیگر اجرای عدالت را یکی از سفارش‌های نه‌گانه خداوند به خویشتن یاد کرده و فرمودند: خداوند به من سفارش کرد در خشنودی و غضبناکی، عدالت را رعایت کنم (ابن شعبه، ۱۳۷۶: ۳۱). هم‌چنین برقراری حکومت بر پایه عدالت را ضروری دانسته و تأکید کردند که «عدالت نیکوست؛ ولی در زمامداران نیکوتر است» (پاینده، ۱۳۸۲: ۵۷۸-۵۷۹)، سخنی که نشان‌گر اهمیت نقش حاکمان در اجرای عدالت اجتماعی است. به تعبیر نویسندگان کتاب الحیاه، «از مهمترین امتیازهای تعلیمات پیامبران و رسالت‌های ایشان، دعوت به برقراری عدالت اجتماعی است و مجاهدت‌های پیگیر برای گستردن جوهر عدل و عملی ساختن آن در میان مردم، و دمیدن روح

عدالت اجتماعی در جامعه انسانی، و واداشتن مردم به پذیرش «عدل» و «احسان»، به‌عنوان بزرگترین ستونی که زندگی در کره زمین متکی به آن است. این است که هر کس مختصر اطلاعاتی از تعلیمات دین داشته باشد، درمی‌یابد که اجرای عدالت در جامعه روحی است که دین خدا به آن زنده است، و صراط مستقیم به آن پیموده می‌شود، پس تا هنگامی که عدل نباشد دینی در کار نیست، و تا هنگامی که عدالت اجتماعی تحقق نپذیرد و همه‌گیر نشود، رسالت دینی و تکلیف شرعی تحقق نپذیرفته و انجام نیافته است» (حکیمی و همکاران، ۱۳۷۳: ۹۷/۲).

فقدان عدالت معضل جامعه جاهلی

عدالت به تعبیر امام علی علیه السلام، تنها راه اصلاح توده مردم/رعیت است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۸)^۱ با اجرای آن، به گفته امام کاظم علیه السلام آدمیان از فقر و فلاکت نجات یافته و به غنا می‌رسند (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۴۲/۱)^۲ و اگر نباشد، به‌طور طبیعی جامعه رو به تلاشی و اضمحلال می‌رود، وضعیتی که در جامعه عرب جاهلی به وضوح مشهود بود. این کمبود، نابرابری‌ها و ستم‌های اجتماعی عرب جاهلی را تشدید می‌کرد. جامعه جاهلی بر پایه اشرافیت، ظلم و تبعیض بنا شده بود و تعصبات نژادی و قبیله‌ای مانع از اجرای عدالت می‌شد. افراد بیشتر به پیوندهای خویشاوندی و نژادی خود اهمیت می‌دادند تا رعایت حقوق دیگران. این تعصبات باعث می‌شد که حقوق دیگران نادیده گرفته شود و بی‌عدالتی رواج یابد. قرآن در آیه ۱۳۵ سوره نساء به این موضوع اشاره می‌کند که تعصبات و گرایش‌های خویشاوندی می‌تواند موجب انحراف از عدالت شود. در کنار این تعصبات نبود یک نظام قانونی منسجم موجب می‌شد تا افراد بر اساس خواسته‌های شخصی و تعصبات خود عمل کنند. این امر باعث می‌شد که هیچ‌گونه نظارتی بر رفتارهای ظالمانه وجود نداشته باشد. در آن جامعه اعمالی نظیر قتل و غارت ضعیفان بخشی از فرهنگ جاهلی و نشان‌دهنده فقدان هرگونه احساس مسئولیت اجتماعی بود. فقدان عدالت در جامعه جاهلی افزون‌بر ایجاد و تشدید نابرابری‌های اجتماعی منجر به فروپاشی ساختارهای اجتماعی می‌شد. جوامع بدون عدالت محکوم به فساد و فروپاشی‌اند؛ چرا که عدم رعایت حقوق افراد موجب ایجاد تنش‌ها و بحران‌های اجتماعی می‌شود. برای ایجاد یک جامعه عادلانه، ضروری است تا افراد از تعصبات ناپسند دوری کرده و بر اساس اصول انسانی و اخلاقی عمل کنند. این وضعیت رسول خدا را بر آن داشت تا با دعوت به اجرای عدالت، ساختارهای اجتماعی را تغییر داده و جامعه‌ای عادلانه بنا کند (برای اطلاع بیشتر از وضع اجتماعی عرب جاهلی

۱. اَلرَّعِيَّةُ لَا يُصْلِحُهَا إِلَّا الْعَدْلُ.

۲. لَوْ عَدِلَ فِي النَّاسِ لَأَسْتَقْتُوا.

نک. زرگری نژاد، ۱۳۸۷: ۱۵۹-۱۶۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۴۴۹، ۶۳۱-۶۴۲، ۲/۱۹۶-۱۹۸، ۲۸۷-۲۹۲، ۷/۵۱۴-۵۱۸، ۸/۱۰۶-۱۰۸، ۱۸/۴۳۰-۴۳۴، ۱۹/۶۰-۶۱).

عدالت اجتماعی مبنای اسلام نبوی

اهمیت عدل و عدالت، در معنای گسترده آن که مبنای قوام و استواری جامعه است، چنان که اشاره رفت، در شریعت اسلامی مورد تأکید جدی است، از آن رو که اجرای آن موجب امنیت و انتظام اجتماعی و بالمآل، همبستگی و انسجام می شود. وجود امنیت روانی برآمده از نظم عدالت پایه، زمینه ساز محیطی سالم و بستری برای رشد و تعالی انسان ها و به تعبیر دوران (۱۳۳۷: ۴/۱)، شکوفایی خلاقیت ها خواهد شد. پایداری جامعه، بدون وجود چنین آرامشی ممکن نیست، به همین سبب پیامبر ﷺ تلاش می کرد تا با شیوه های مختلف تبلیغ و پیمودن مسیرهای پر چالش فرهنگی و اجتماعی، عدالت اجتماعی را محقق سازد، عدالتی که بر باورهای دینی استوار بود. ایشان از هر فرصتی برای آموزش های اخلاقی معطوف به حقوق عمومی بهره می بردند، رویکردی که باعث شد تا مردم نه تنها از لحاظ دینی بلکه از لحاظ اجتماعی و فرهنگی پرورده و بالنده شوند. هجرت آن حضرت به مدینه که نقطه عطفی در تاریخ اسلام و مایه شکل گیری حکومت نبوی بود، از این منظر نیز حائض اهمیت است، زیرا بستری برای همدلی و هماهنگی بیشتر هموندان جامعه مسلمانی گردید؛ پیمان برادری گامی بلند در این راستا بود، زیرا زمینه های همکاری اجتماعی را فراهم می ساخت (حکیم و غریبوی، ۱۳۸۵: ۱/۳۲).

تأکید بر عدالت اجتماعی، بدون ایثار مادی و مالی مسلمانان امکان پذیر نبود، از این رو آن حضرت برای منع تمرکز ثروت و توزیع آن میان همگان، هم توصیه هایی داشتند، چنان که از مسلمانان دارا می خواست تا کم مایگان را در اموال خویش شریک سازند. این فرموده ایشان است که: خدا روزی تهیدستان را در اموال ثروتمندان قرار داده، پس اگر گرسنه و برهنه بمانند، به گناه و کوتاهی ثروتمندان است (سالم، ۱۴۱۴: ۲/۱۴۱) و هم اقداماتی را به کار بستند، مثل پافشاری بر اجرای قانون زکات و خمس و تقسیم آن میان نیازمندان و دیگر گروه هایی که در قرآن نامشان به روشنی آمده است. برآیند همه آنها کاهش فقر در جامعه اسلامی و در مفهومی کلان تر، گسترش عدالت اجتماعی بود (نک. طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۶۰۹-۶۱۰، ۴/۳۶۸). بر اساس آیه ۱۵ سوره شوری، بعثت پیامبر ﷺ با هدف اجرای عدالت در میان مردم تعریف شده تا الگو و عیاری برای همگان در توجه به عدالت اجتماعی باشد. ایشان بی هیچ تبعیضی به اجرای قوانین الهی روی داشتند، چنان که شفاعت ام سلمه برای مجازات نکردن دزدی را نپذیرفتند (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۱۸/۴۳). از همین منظر، همواره بر برابری انسان ها تأکید داشتند و می گفتند انسان ها مانند

دندان‌های شانه برابردند و تنها ملاک برتری آنها تقوا است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۵/۵۸؛ سلیمی، ۱۴۳۶: ۲۳۳، ۳۶۸).

شاید پاره‌ای از ابعاد عدالت اجتماعی، در جوامع کهن قابل ردیابی نباشد، مثل آنچه در حوزه مشاغل، محیط زیست و حتی سیاست و حکمرانی مطرح است، اما تأمین سطوح عمومی آن، مثل برخورداری از حقوق بیت‌المال و غنایم جنگی یا امکانات عمومی، آشکارا در اهداف نبوی به چشم می‌خورد. ایشان برای تغییر رفتار و کردار مردم به سوی پذیرش عدالت و اجرای آن در حیات خویش، از روش‌های متنوع و مؤثری استفاده کردند تا اعمال آن در زندگی نهادینه شود. مهم‌ترین آنها را می‌توان چنین برشمرد:

الف) تحکیم باورها و توسعه آگاهی‌های فردی و اجتماعی: پیامبر ﷺ با تبیین آموزه‌های اسلامی و ایجاد شناخت صحیح در میان مردم، به تغییر باورهای نادرست آنها پرداخت. ایشان از روش‌هایی مانند موعظه، انذار، برهان و جدل به احسن استفاده کردند تا مردم را به شناخت درستی از مسائل هستی و انسانی برسانند. این فرآیند شامل رفع موانع شناختی، نقد اندیشه‌های نادرست و نفی تعصبات جاهلی می‌شد (واعظی، ۱۳۹۵: ۱۳۵) که در نهایت باور توحید مدار، متعالی و برابراندیشانه را جایگزین باورهای غلط و نارویانه می‌ساخت.

ب) رفتار سازی: تجلی باورهای اسلامی در کرد و کارها و کشاندن آن از سطوح نظری و ذهنی به حیات عینی و عملی، دیگر اقدام آن حضرت بود، به خصوص در حوزه اخلاق اجتماعی که خود داعیه‌دار آن بود، تا جایی که رسالت خویش را به آن پیوند زده بود.^۱ پیامبر ﷺ مردم را با بایدها و نبایدهای رفتاری آشنا و مرزهای بین جامعه اسلامی / انسانی و جاهلی / تبعیضی را مشخص کرده و فضایی برای پذیرش فرهنگ اسلامی و ترویج رفتارهای انسانی را فراهم کردند.

ج) مخاطب‌شناسی و تنوع برخورد: پیامبر ﷺ به دقت نیازها و ناهنجاری‌های اجتماعی افراد و گروه‌ها را شناسایی می‌کردند و با هر کدام برخورد متناسبی انجام می‌دادند. ایشان با عمل به روایت نبوی: «مداراه الناس نصف الإیمان؛ مدارا کردن با مردم نصف ایمان است» (ابن شعبه، ۱۳۷۶: ۴۱)، با هر شخصی برخورد متناسب با او انجام می‌داد و از جاده انصاف خارج نمی‌شد. برای نمونه حسان بن ثابت را که توانایی جنگیدن نداشت اما شاعری زبردست بود، برای تقویت روحیه رزمندگان و هجو دشمنان به کار گرفت (کنانی، ۱۳۶۲: ۶-۸).

د) الگو بودن: پیامبر ﷺ به عنوان الگوی رفتار اجتماعی، با زندگی ساده و مهربانی و تواضع به مردم نزدیک می‌شدند و هیچ‌گاه خود را از دیگران جدا نمی‌دانستند. در جمع‌ها به گونه‌ای رفتار

۱. «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».

می‌کردند که کسی احساس برتری نکند. رسول خدا همواره بر بخشش تأکید داشتند و بدی را با بدی پاسخ نمی‌دادند. یکی از نمونه‌های بارز تأکید پیامبر اسلام ﷺ بر بخشش و گذشت، داستان عفو همسایه یهودی است. آن حضرت همسایه‌ای یهودی داشت که به‌طور مداوم او را اذیت می‌کرد. با این حال، رسول خدا نه‌تنها از او انتقام نگرفت بلکه او را بخشید (نک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۸۳/۲۱، ۳۷۰-۳۷۱/۲۴).

مصادیق عدالت اجتماعی در سیره پیامبر ﷺ

پیامبر اسلام ﷺ، الگوی کامل انسانی و عدالت را در تمامی ابعاد زندگی خود به اجرا گذاشتند. آن حضرت بر برابری و مساوات تأکید داشتند و هیچ‌گاه اجازه نمی‌دادند که روابط خویشاوندی یا عواطف شخصی بر اجرای عدالت تأثیر بگذارد. ایشان تأکید داشتند که حق ناتوانان باید بدون هیچ بهانه‌ای از زورمندان بازستانده شود. در تقسیم بیت المال، رسول خدا به رعایت حقوق افراد به‌ویژه فقرا و بی‌بضاعت‌ها توجه ویژه‌ای داشتند و از تمرکز ثروت جلوگیری می‌کردند؛ چنین رفتارهایی نشان‌دهنده اهمیت عدالت اجتماعی در سیره ایشان است. پیامبر ﷺ هرگز حاضر نشد برای گسترش رسالت خود یا تثبیت اقتدارش از عدالت چشم‌پوشی کند. رسول خدا با قشربندی‌های اجتماعی و نابرابری‌های موجود در جامعه مخالف بودند و برابری انسان‌ها را مطرح کردند و فرمودند: «انّ الناس من عهد آدم الی یومنا هذا مثل اسنان المشط؛ همه انسان‌ها از زمان آدم تا به امروز برابرند» (مفید، ۱۴۳۰: ۳۲۶). این دیدگاه به معنای نفی هرگونه تبعیض بر اساس ثروت یا مقام اجتماعی است. در ادامه به برخی از مصداق‌های توجه به عدالت اجتماعی در سیره نبوی اشاره می‌شود:

رسول خدا در زندگی شخصی و خانوادگی به اجرای عدالت پایبند بود. ایشان با همسران خود به مساوات رفتار می‌کرد و حتی در شرایط سخت و بیماری، عدالت را رعایت می‌کرد؛ چنان‌که در زمان بیماری، به درخواست همسرانشان هر شب به اتاق یکی از آنها می‌رفت تا تبعیض بین آنها قابل نشده باشد. ایشان مهریه و نفقه را به تساوی بین آنها تقسیم می‌کرد. هر شبانه‌روز به نوبت در کنار یکی از همسرانش می‌ماند و با آنها با احترام و محبت رفتار می‌کرد. رسول خدا در مواجهه با ناسازگاری آنها، خشم خود را مهار می‌کرد و از روش‌های صلح‌آمیز مانند ترک موقت صحبت استفاده می‌کرد. ایشان در هدیه دادن به همسرانش نیز تبعیض قابل نمی‌شد (نک. ابن ماجه، ۱۳۹۵: ۶۳۳/۱؛ ابن شعبه، ۱۳۷۶: ۳۳؛ نقیب، بی‌تا: ۲۳۱-۲۳۷).

پیامبر ﷺ در راستای گفتار خود که «الناس امام الحق سواء؛ مردم در برابر حق برابرند» (نک. آل کاشف الغطا، ۱۴۲۲: ۴۷۱/۴؛ حزایشی، ۱۴۱۳: ۴۷۷)، با اقلیت‌های مذهبی به‌ویژه مسیحیان نجران و یهودیان سینا، قراردادهای عادلانه امضا کرده بود و در آن بر همزیستی مسالمت‌آمیز و تأمین امنیت آنها تأکید کرده بود. در واقع این قراردادها که برای پایان دادن منصفانه و عادلانه به

تضادها و دشمنی‌ها بین مسلمانان و پیروان ادیان دیگر طراحی شده بود، پیش از آن کم‌نظیر بود. رسول خدا در مواردی که مسلمانان دچار کوتاهی یا خطا می‌شدند، بر لزوم جبران خسارت از اهل ذمه تأکید می‌کردند. برای مثال، پس از قتل تعدادی از اعضای قبیله جذیمه توسط خالد بن ولید، پیامبر ﷺ دستور داد تا خسارت‌ها جبران شود و حتی قیمت اشیای آسیب‌دیده نیز به آنها پرداخت شود (واقعی، ۱۴۰۹: ۳/۸۷۵-۸۸۴). در زمانی که اهل ذمه در اجرای مفاد قرارداد کوتاهی و یا خیانت می‌کردند نیز رسول خدا از مسیر عدالت خارج نمی‌شد. برای نمونه وقتی قبیله بنی‌نضیر به‌رغم پیمان از کمک به مسلمانان امتناع و علیه پیامبر ﷺ توطئه کردند (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۴۴۰)؛ آن حضرت به مسلمانان توصیه کرد که به‌سبب دشمنی با یهود، به بی‌عدالتی متوسل نشوند و همواره عدالت را رعایت کنند. آیه ۸ سوره مائده: «هرگز دشمنی با قومی شما را به بی‌عدالتی وادار نکند»، در همین موضوع نازل شده‌است. این نمونه‌ها نشان‌دهنده تعهد عمیق پیامبر ﷺ به اصول عدالت و احترام به حقوق دیگران حتی با غیرمسلمانان است.

مواجهه رسول خدا با اسیران جنگی نیز نمونه‌ای دیگر از رویکرد اجرای عدالت اجتماعی در سیره پیامبر ﷺ است. آن حضرت به شدت بر عدم ظلم به اسیران تأکید داشت. ایشان دستور داد تا در جنگ‌ها به غیرنظامیان و اسیران آسیب نرسد، از آنها به‌خوبی مراقبت و نیازهای اساسی آنها تأمین و از آزار و اذیتشان خودداری شود. رفتار رسول خدا با عباس عموی خود که در جنگ بدر اسیر شده بود، تفاوتی با دیگر اسرا نداشت و رسول خدا او را مانند دیگر اسرای متمکن با گرفتن فدیة آزاد کرد (ابن قتیبہ، ۱۹۹۲: ۱۵۵-۱۵۶).

مواجهه پیامبر اسلام ﷺ با زنان نشان‌دهنده احترام و توجه ویژه آن حضرت به رعایت عدالت و حقوق آنان است. رسول خدا در روابط اجتماعی خود همواره بر کرامت انسانی و استقلال زنان و برخورداری آنان از جایگاه مناسب اجتماعی تأکید داشتند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵: ۱۴۴). مواجهه عادلانه و منصفانه پیامبر ﷺ با زنان بارها در سیره تکرار شده‌است. ایشان مانع از ازدواج اجباری دختران می‌شد (نک. ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۳۴/۸). رفتار ایشان در حل مشکل خوله بنت ثعلبه نیز حائز اهمیت است. خوله زنی مؤمن و متدین بود. همسر او به دلیل اختلافات خانوادگی، از طریق «ظهار» (یک نوع طلاق عرفی) او را ترک کرده بود. خوله نزد پیامبر ﷺ رفت و حکم آن را پرسید. آن حضرت ابتدا بر اساس قانون موجود، حکم را به نفع همسر او صادر کرد و بر حرمت این عمل تأکید کرد. با این حال، خوله تسلیم نشد و به پیامبر ﷺ گفت که این حکم برای او ناعادلانه است. در نهایت با نزول آیات مربوط به «ظهار» (مجادله ۱/۴)، رسول خدا حکم جدیدی صادر کرد تا شأن اجتماعی و حقوق زنان حفظ شود (نک. الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۵۴۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱۱/۱۹-۳۱۵؛ بلاغی، ۱۳۴۴: ۳۲۲/۶-۳۲۴). توجه به حقوق زنان مانع از اجرای عدالت درباره

آنان نمی‌شد. در زمان فتح مکه، زنی از اشراف قبیله بنی‌مخزوم مرتکب سرقت شد. خویشاوندان این زن که نگران آسیب به شرافت قبیله خود بودند، تلاش کردند تا با شفاعت اسامه بن زید، مانع از اجرای حد شوند. اما رسول خدا با خشم به این درخواست پاسخ دادند: «مگر می‌توان حدود و قانون را اجرا نکرد؟ قسم به خدایی که جانم در دست اوست، در اجرای قانون درباره هیچ کس کوتاهی نمی‌کنم؛ اگرچه مجرم از نزدیکان من باشد» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۷۳۵/۳؛ ابن ماجه، ۱۳۹۵: ۸۵۱/۳-۸۵۲). این واکنش پیامبر ﷺ نشان‌دهنده عزم راسخ ایشان در اجرای عدالت بدون تبعیض بود. ایشان بر این باور بودند که سقوط اقوام پیشین به دلیل تبعیض و از بین رفتن عدالت اجتماعی بوده‌است (مطهری، ۱۴۰۲: ۱۳۳-۱۳۴).

رفتار حضرت محمد ﷺ با کودکان بر اساس عدالت و محبت بود و این رفتار آموزه‌های بسیاری برای والدین به همراه دارد (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵: ۱۴۷). روزی مردی دو فرزند خود را نزد پیامبر ﷺ آورد. او یکی از آنها را بوسید و دیگری را نادیده گرفت. رسول خدا ناراحت شدند و به او گفتند: «چرا با فرزندان خود به‌طور مساوی رفتار نمی‌کنی؟» (حسن‌الهی، ۱۳۸۵: ۱۴۵). عدالت در میان فرزندان مانع حسادت و کینه‌ورزی می‌شود و به پرورش روحیه عادلانه در کودکان کمک می‌کند. رسول خدا بازی کردن با کودکان را راهی برای جلب محبت و تربیت آنها می‌دانست. ایشان در مسیر مسجد با کودکان بازی می‌کردند و این نوع تعامل باعث می‌شد محبتشان در دل کودکان جای گیرد. رسول خدا با طولانی کردن سجده نماز یا سریع‌تر پایان دادن آن به احترام کودکان، به آنها شخصیت می‌داد.

پیامبر ﷺ در حکمرانی قضایی نیز بسیار بر اجرای عدالت تأکید داشتند و هیچ استثنایی قابل نبودند. ایشان به‌عنوان قاضی و داور، نقش مهمی در برقراری عدالت و حل و فصل منازعات در جامعه اسلامی ایفا کردند. سیره قضایی ایشان به وضوح نشان‌دهنده اصول و روش‌هایی است که در فرآیند قضاوت به کار می‌برد. قرآن کریم به صراحت بیان می‌کند که قضاوت باید بر اساس کتاب خدا و با عدالت انجام شود (نک. نساء/۱۰۵، مائده/۴۲، ۴۴-۴۷). پیامبر ﷺ در قضاوت خود به ادله و شواهد توجه ویژه‌ای داشت و می‌فرمود: «إِنَّمَا أَقْضِي بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالْأَيْمَانِ...؛ تنها بر اساس دلایل و قسم‌ها قضاوت می‌کنم» (کلینی، ۱۳۶۳: ۴۱۴/۷). آن حضرت به طرفین دعوا گوش می‌داد و بر اساس آن قضاوت می‌کرد. گاهی نیز برای تأیید اعتبار شهود، تحقیقاتی انجام می‌داد. ایشان در موارد اتهام، با دقت عمل می‌کرد و اگر شبهه‌ای وجود داشت، متهم را تبرئه می‌کرد؛ ولی در صورت اثبات جرم، بدون تسامح اقدام به اجرای حدود شرعی می‌کرد و شفاعت کسی را نمی‌پذیرفت. سیره قضایی رسول خدا، الگویی برجسته در عدالت اجتماعی و قضایی است.

رسول اکرم هیچ‌گونه تبعیضی در میان مسلمانان قائل نمی‌شد و حتی در مواجهه با نزدیک‌ترین افراد و خانواده‌اش نیز قوانین خداوند را اجرا می‌کرد. محاکمات در زمان پیامبر ﷺ به صورت علنی برگزار می‌شد. این شفافیت به قاضیان و مردم این امکان را می‌داد تا از روند قضاوت عادلانه و بدون تبعیض مطلع شوند. ایشان قضاوت را در مکان‌های عمومی مانند مسجد و در برابر انظار عمومی برگزار می‌کرد (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳: ۳۴۴/۲). آن حضرت درباره اجرای عادلانه قضاوت فرمود: «وقتی حکم می‌کنید، به عدل رفتار کنید» و حق را بدون توجه به مقام و موقعیت افراد استیفا کنید (نک. پاینده، ۱۳۸۲: ۱۹۲). ایشان با توجه به اصل برائت در مواجهه با متهمان، رویکردی عادلانه و انسانی داشت و بر رعایت اصول اسلامی و عدالت اجتماعی تأکید می‌کرد. چنان‌که رسول خدا فرمود: «ادءوا الحدود بالشبهات...؛ وقتی تردید پیش آمد مجازات‌ها را بازدارید» (همان، ۱۷۶). بر این اساس هرگاه شواهد کافی برای اثبات جرم وجود نداشت، باید به نفع متهم حکم صادر کرد. پیامبر ﷺ در تقسیم اموال نیز بسیار حساس بود. ایشان روزی مشغول تقسیم مالی میان مسلمانان بود؛ مردی از بنی تمیم به نام ذوالخویصره به ایشان گفت: «ای رسول خدا، به عدالت تقسیم کن». پیامبر ﷺ در پاسخ فرمود: «وای بر تو! اگر من عدالت نداشته باشم چه کسی عدالت دارد؟» (بخاری، بی‌تا: ۵۲/۸؛ مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲: ۷۴۴/۲). این جمله نشان‌دهنده تعهد رسول خدا به اصول عدالت و قسط در تمام امور زندگی اجتماعی و اقتصادی بود.

نتیجه

عدالت اجتماعی از مفاهیم اساسی سیره نبوی است. عدالت اجتماعی به معنای توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در جامعه است. در سیره نبوی، این مفهوم به وضوح در تلاش‌های رسول خدا برای برقراری نظم و توازن اجتماعی نمایان است. پیامبر ﷺ با نفی تبعیض و ظلم، به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و متوازن کمک کرد. ایشان بر اهمیت برابری در حقوق و فرصت‌ها تأکید داشتند و به دنبال رفع نابرابری‌های اجتماعی بودند. توزیع عادلانه ثروت و حمایت از اقشار ضعیف یکی از برنامه‌های عدالت محور آن حضرت بود. رسول خدا در مواجهه با همه اقشار و اصناف جامعه بر رعایت عدالت تأکید داشت. ایشان بین نزدیکان خود و دیگران و حتی در مواجهه با اهل ذمه، یهود و دشمنان خود از مسیر عدالت خارج نشدند.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹ش)، ترجمه و شرح فیض الإسلام اصفهانی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۳/۱۹۸۳)، عوالمی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینییه، قم، مؤسسه سیدالشهداء(ع).
- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع، الطبقات الكبرى (۱۴۱۰/۱۹۹۰)، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۷۶ش)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، تهران، کتابچی.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۳۹۵ق)، سنن ابن ماجه، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار الجیل.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۹۹۲)، المعارف، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، الیهیئه المصریه العامه للکتاب.
- الیهی قمشه ای، مهدی (۱۳۸۰ش)، القرآن الکریم (ترجمه الیهی قمشه ای)، قم، فاطمه الزهراء.
- امیدی، جلیل (۱۳۸۸ش)، «سنت نبوی و عدالت کیفری»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، ش ۴، زمستان، ص ۲۱-۳۴.
- ایزدی، نرگس (۱۳۸۵ش)، «پیامبر اعظم(ص) عدالت و دین باوری، تعقل و آینده نگری»، ندای صادق، ش ۴۴.
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۲۰۰۳/۱۴۲۲)، تحریر المجله، تحقیق محمد ساعدی، قم، المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الإسلامیه، مرکز التحقیقات و الدراسات العلمیه.
- باقرزاده، محمدرضا (۱۳۸۵ش)، «پیامبر اعظم(ص) و عدالت اجتماعی»، پاسدار اسلام، ش ۲۹۶، ص ۲۵۸۳-۲۵۸۶.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا)، صحیح بخاری، [بی جا، بی نا].
- بلاغی، عبدالحجه (۱۳۴۴ش/۱۳۸۵)، حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم، بی نا.
- پابنده، ابوالقاسم (۱۳۸۲ش)، نهج الفصاحه؛ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول(ص)، تهران، دنیای دانش.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶)، وسائل الشیعه، به کوشش محمدرضا حسینی جلالی، قم، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام) لإحياء التراث.

- حزایشی، سلیمان بن صالح (۱۴۱۳/۱۹۹۳)، محمد عماره فی میزان أهل السنه و الجماعه، [بی‌جا]، دار الجواب.
- حسن‌الهی، منوچهر (۱۳۸۵ش)، سیره پیامبر اعظم (ص) از نگاهی دیگر، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- حکیم، منذر و عدی غریب‌اوی (۱۳۸۵ش/۱۴۲۷)، پیشوایان هدایت، ترجمه عباس جلالی، قم، مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- حکیمی، محمدرضا و همکاران (۱۳۷۳ش)، الحیاه، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۵ش)، راه صفا، بر پی مصطفی، تهران، دریا.
- دورانت، ویلیام (۱۳۳۷ش)، تاریخ تمدن؛ مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام و همکاران، تهران، اقبال.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۷ش)، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، سمت.
- سالم، عطیه محمد (۱۴۱۴/۱۹۹۳)، آیات الهدایه و الاستقامه فی کتاب الله تعالی، مدینه، مکتبه دار التراث.
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۴ش/۱۴۳۶)، درس نامه حقوق بشر از دیدگاه اسلام، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- شیخانی، علی اکبر (۱۳۸۳ش)، عدالت صحابه از دیدگاه تشیع و تسنن، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ش)، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه للشیخ مفید رضوان الله علیه، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- کلهر، علی (۱۳۸۶ش)، «عدالت اجتماعی پیامبر اعظم (ص)»، پاسدار اسلام، ش ۳۰۵، اردیبهشت، ص ۳۷-۴۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- کنانی، خلدون (۱۳۶۲ق/۱۹۴۳)، حسان بن ثابت، دمشق، مطبعة الترقی.
- لک زایی، نجف (۱۳۷۹ش)، «پیامبر اسلام (ص) و شیوه گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی»، تاریخ اسلام، سال ۱، ش ۱، بهار، ص ۶-۴۰.

- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش)، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- متقی هندی، علاء‌الدین (۱۴۰۹)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳/۱۹۸۳)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
- مسلم بن حجاج (۱۴۱۲/۱۹۹۱)، صحیح مسلم، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، دار الحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۲ش/۱۴۴۴)، وحی و نبوت، تهران، صدرا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۳۰/۲۰۰۹)، الإختصاص، به کوشش علی اکبر غفاری، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- موسوی نژاد، سیدمحمد مهدی و جواد سلیمانی امیری (۱۴۰۱ش)، «نسبت تعالی ارزش‌ها و عدالت اقتصادی در عصر نبوی»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۳، ش ۴۶، بهار، ص ۷-۲۶.
- نقیب، محمد (بی‌تا)، بررسی تطبیقی خصائص النبی صلی الله علیه و آله از نگاه فریقین، تهران، سازمان حج و زیارت؛ حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارات.
- واعظی، محمود (۱۳۹۵ش)، گفت و گوها و مناظرات علوی؛ روش شناختی و تحلیل نمونه‌ها، مشهد، آستان قدس رضوی؛ شرکت به نشر.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹/۱۹۸۹)، المغازی، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.